

## مسئولیت مردان منبر و مدح

زهرا (س) قطره‌هایی هستند از دریای وجود پیغمبر - ارزشش پیش خدا به خاطر عبودیت است... (رهبر معظم انقلاب - در دیدار مداحان و شاعران - ۸۴/۵/۵)

گاه می‌شود که مداحان ما در ذکر مناقب حضرت صدیقه اطهر (س) یا دیگر معصومین (ع) از مرز «توحید» می‌گذرند و در ورطه «شرک» درمی‌غلطند. حال آنکه در زیارت‌های معتبره مأثوره، به رغم انتساب عالی‌ترین و شگفت‌انگیزترین مقامات معنوی و اوصاف الهی به وجود مقدس حضرات معصومین (ع)، بر «عبودیت» آن بزرگواران تأکید تمام شده است. از آن جمله است این فقره شریفه از «زیارت رجبیه» که به خداوند متعال عرضه می‌داریم: لا فرق بینک و بینهم الا انهم عبادک. «هیچ فرقی بین تو و اینها [حضرات معصومین علیهم السلام] نیست غیر از اینکه اینها بندگان تو هستند». و زیارت رجبیه از آن دسته متون شریفه‌ای است که امام راحل عظیم‌الشان (ره) - حسب گفته یکی از شاگردان ایشان که در قید حیاتند - توصیه اکید به خواندن آن داشتند و می‌فرمودند: «فقط همین «عبد» بودن ائمه علیهم السلام است که فارق بین اینها و خداست والا آن بزرگواران تمام نیروهای الهی را دارند».

متأسفانه دامنه انحراف در برخی مداحی‌ها از مسیر تعالیم نورانی اهل بیت (ع) محدود به «مبالغه گویی» از مقام و منزلت معصومین (ع) نیست. گاه از این سوی بام افتاده‌ایم؛ «تصغیر و تزیین مرتبت» آن بزرگواران در ذکر مرثی و مدایح، رایج‌تر از گزافه‌گویی است. این آفت البته ناشی از تصور فهم ما از مقام حقیقی وجود مقدس و شریف آن حضرات است که سطح عقول و عرفان و آمال آنان را با خود قیاس می‌کنیم و امتیازاتی نظیر قدرت مادی و جسمانی یا زیبایی بی‌ظن ظاهری را که ممکن است منتهای آرزوی خود و مخاطبانمان باشد به آن بزرگواران نسبت می‌دهیم بی‌آنکه این امتیازات ظاهری در نظام ارزشی دینی ما واجد ارزش حقیقی باشد.

چون به آنها [حضرات معصومین (ع)] دسترسی نداریم، آنها را نمی‌فهمیم و درک نمی‌کنیم، گاهی تعبیراتی گفته می‌شود که خیلی هم دقیق نیست... چون می‌خواهند تکریم و تعظیم کنند، اما واقعیت مطلب در ذهن کوچک ما نمی‌گنجد... چیز دیگری که بنده اطلاع پیدا کردم، استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل (س) صحبت می‌شود، بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قریب چشمش بشما مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل (ع) به چشم‌های قشنگش بوده؟ اصلاً شما مگر ابوالفضل (س) را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده؟ اینها سطح معارف دینی ما را پایین

می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست... ارزش ابوالفضل العباس (س) به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت اوست. به صبر و استقامت اوست... ارزش ابوالفضل و حبیب‌بن‌مظاهر در اینهاست، نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده‌اش. قد رشید که خیلی در دنیا هست. اینها که در معیار معنوی ارزش نیست... این که ما هم‌اکنون بی‌آنکه روی ابروی کماتی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران تکیه کنیم، این که مدح نشد. در مواردی ضرر هم دارد. در فضاهایی این کار خوب نیست. (رهبر معظم انقلاب - همان).

گاش در «ظاهرگرایی» و «اسطوره‌سازی» به همین مقدار بسنده می‌شد. متأسفانه دامنه انحراف در طبقات پایین‌تر طایفه مداحان، خیلی گسترده‌تر است. در برخی مجالس و دسته‌جات عزاداری محلی، پاره‌ای از خوانندگان جرأت می‌کنند اشعاری مبتذل و با مضمون‌های عشقی را که نوعاً خوانندگان پاپ - از نوع به اصطلاح لس‌آنجلسی - پیش‌تر در قالب ترانه خوانده‌اند، با همان سبک و آهنگ، در توصیف اهل بیت (ع) بخوانند.

دیگر اینکه مداحان ما از آن روی که هنرمندند، ناگزیر از نوآوری‌اند. این ناگزیری علی‌الدوام، پاره‌ای از مداحان ما - حتی برخی از معاریف و مشاهیر این طایفه - را به عدول از معیارهای رفتار موقرانه و مؤمنانه - که امری بسیار مهم و لازم برای کسوت مداحی است - واداشته است. گواه این مدعا، تصاویری است که بعضاً از مراسم مولودی‌خوانی یا مرثیه‌سرایی در تلویزیون پخش می‌شود و مداحان را در حالی نشان می‌دهد که می‌کوشند با حرکات خاص سرودست و بدن، جمعیت را به وجد و نشاط بیاورند و یا متأثر و محزون کنند. همان جوان مداح معروف پیش‌گفته می‌گفت: مدتی است برای فرار از این دام مهلک و رهایی از این آفت عاقبت‌سوز، به «مناجات‌خوانی» روی آورده‌ام. رویکرد جدیدش

ایرانیان شیعه، دین خود را - اعم از احکام و اعتقادات و اخلاقیات - همواره از «منبر» گرفته‌اند و هیچ‌یک از دیگر وسایل نشر و ترویج معارف دینی - از حیث دامن‌گستری - هم وزن و هم پای منبر نبوده است. نیز «مداحی» از جمله نهادهای دیرپای جوامع شیعی است و این مداحان بوده‌اند که از دیرباز تاکنون منبردانان دین گستر شیعه را در نشر معارف حقه اهل بیت (ع) گرمی بخشیده‌اند.

سنت چنان بوده که مداحان، هنر خود را در جلب عواطف و احساسات مردمان به خدمت می‌گرفته‌اند تا آنان را به پای منبرها بکشانند و - حسب وضع و موقع - با مرثیه‌سرایی و مولودی‌خوانی، قلوب مستمعین را مستعد دریافت حقایق دین و معارف اهل بیت (ع) کنند چندان که کار سخت عالمان دین‌شناس و مبلغان سنت نبوی و سیره علوی در القای آن حقایق و معارف، آسان شود. چنین بود که مداحی در خدمت منبر قرار می‌گرفت و مداحان رونق بخش گرسی دانشمندان دین در تعلیم و تهذیب مردمان می‌شدند.

اکنون سالیانی است که این سنت پسندیده دگرگون شده و در برخی از محفل‌ها و هیئت‌ها جایگاه منبری و مداح جایجا «اصل» مداحی است و خطیب و واعظ، گویی صرفاً برای پاسداشت صوری همان سنت پیش‌گفته به منبر می‌رود و دیگر هیچ. در بعضی تکایا و مجالس که اصلاً نشانی از «منبر» نیست و هر چه هست مدح و مصیبت است و بس.

چندی پیش با عزیزی از طبقه مداحان مشهور پایتخت گپ و گفت کوتاهی داشتم. می‌گفت: دور و اطراف هر یک از منبری‌های مشهور و پرمخاطب تهران، قریب ۱۰ مداح مختلف - از شهیر و کم‌شهرت و گمنام - همواره حاضرند و همه هم در همه مجالس می‌خوانند چندان که پیش و پس از منبر ۴۰ دقیقه‌ای یک واعظ معروف، ساعت‌ها برنامه مداحی اجرا می‌شود یعنی که «منبری» رونق بازار «مداح» را موجب شده، حال آنکه سنت هزارساله هیئت‌های شیعی عکس آن را گواهی می‌دهد.

باید پرسید سخنوران شهیر شهرها و خطیبان پرمخاطب جماعات مذهبی را چه نیازی به گرمی بازار مرثیه‌گویان و مدیحه‌سرایان؟ قرار است مداحان شیعه با هنرمندی خود، برداشت بهینه از «محصول منبر» را - که چیزی جز آموزه‌های و حیاتی جاری بر لسان عالمان دین‌اندیش نیست - برای مردمان کوچه و بازار ممکن کنند تا «مکتب» اهل بیت (ع) در جان‌هایشان «ماندگار» شود.

«هر مکتبی اگر چاشنی‌ای از عاطفه نداشته باشد و صرفاً فلسفه و فکر باشد، آنقدر در روح‌ها نفوذ نمی‌کند و شناس ماندگاری ندارد. ولی اگر چاشنی‌ای از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن حرارت می‌دهد. آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شک مکتب امام حسین (ع) منطلق و فلسفه دارد... اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته و کهنه می‌شود. این بسیار نظر بزرگ و عمیقانه‌ای بوده است؛ یک دوراندیشی فوق‌العاده عجیب و معصومانه، که گفته‌اند برای همیشه این چاشنی را شعا از دست ندهید». (استاد شهید مرتضی مطهری - سبوری در سیره نبوی - صفحه ۵۸).

منبرها بر پا شده‌اند تا وسیله‌ای باشند برای برپایی دین خدا در دل‌ها. در همه ادوار و اعصار کسانی از بندگان خدا هستند که در فهم معارف ربانی و تفقه در دین خدا کوشاترند و در جستجوی نازک‌اندیشی‌ها و اشارت‌های بصیرت‌بخش امامان معصوم (ع)، استوارتر و خستگی‌ناپذیر. هم‌آن‌اند که واسطه انتقال این معارف به خلق خدا هستند تا مردم را به بصیرت و معرفت که مقدمه عبودیت است، هدایت کنند. هدف نهایی «مکتب» جز «عبودیت» نیست و معرفت، سوار بر مرکب «عواطف» ره به سوی «عبودیت» می‌سپارد. کار مداحان، جلب این عواطف به سوی حقیقت مکتب و تزریق این «چاشنی» در جان طالبان معارف شیعه است.

وقتی «عبودیت» غایت همه آموزه‌ها و آرزوهای مکتب باشد، بدیهی است که اسوه‌ها و امامان و پیشاهنگان مکتب، نمونه‌های بی‌بدیل و مظاهر تام و تمام عبودیت خواهند بود:

«ارزش فاطمه زهرا (س) به عبودیت و بندگی خداست... نه فقط فاطمه زهرا (س) بلکه پدر فاطمه هم - که مبدأ و سرچشمه فضایل همه معصومین است و امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه

است، بی گمان تلاش و تمرکز دشمن برای تضعیف و تخریب این نهاد مدنی ریشه‌دار تمدن ایرانی شیعی بیش از پیش خواهد شد. بشرط هوشیاری مرجعانه مردان منبر و مدح، این پایگاه پایدار عرصه روشنگری و ارشاد، تا همیشه، تأثیرگذارترین رسانه جامعه شیعی ما باقی خواهند ماند.

قدرت الله رحمانی

را ستودم و گفتیم: اتفاقاً در حوزه هنر مداحی، «هنر برتر» نزد مداحانی است که قادرند گنجینه‌های گهربار مستور در معادن مناجات‌ها و زیارت‌ها و دعاها را کشف و استخراج کرده و با زبان همه فهم بیان کنند. طرفه آنکه دوستی و دشمنی و اسطوره‌سازی را سه عامل تحریف حقایق و وقایع دانسته‌اند و منشأ انگاره‌سازی مجالس گردانان مجالس مدح و مصیبت را دو عامل از این سه عامل؛ دوستی و اسطوره‌سازی.

چون دوستدار اهل بیت (ع) هستیم، زیبایی ظاهر را - که به خیال خود عالی‌ترین عامل در کشش بسوی محبوب و تهییج احساسات عاشقانه می‌پنداریم - در وجود آن بزرگواران برجسته می‌کنیم و باز از سر دوستی و به قصد برانگیختن عواطف - در مواقع مرثیه‌سرایی - هر جا لازم باشد از هیچ تحقیری در مکانت و منزلت‌شان فروگذار نمی‌کنیم، آنچنان که به تعبیر استاد شهید مطهری، شهادت امام حسین (ع) را چنان جلوه می‌دهیم که مظلوم و بی‌تقصیر و بی‌جهت کشته و نطفه و ضایع شد و هدر رفت، حال آنکه به عکس این انگاره باطل - که اتفاقاً از سر دوستی سیدالشهدا (ع) ساخته شده - هر قطره خون امام حسین (ع) یک دنیا ارزش دارد و زلزله حماسه او در عاشورا پایه‌های کاخ مستمگران را متزلزل کرد چندان که هنوز اغلب حوادث داغ و تحول‌ساز جامعه ما در محرم ایجاد می‌شود. (حماسه حسینی - جلد ۳ - صفحه ۸۴).

نیز برخاسته از حس اصیل «اسطوره‌سازی» خود، توانمندی‌های عجیب و غریب مادی و جسمانی را به وجود مقدس آن حضرات نسبت می‌دهیم که نه اثبات آن توانایی‌ها در وجود مبارکشان موجب فضیلتی است و نه اعتقاد ما به وجود آن اوصاف، مهم و مفید و لازم است از آن روی که هیچ نقشی در تربیت اخلاقی و رشد فضایل انسانی ما ندارد.

اقبال کم نظیر امروز مردم به ویژه جوانان به هیئت‌های مذهبی و مجالس جشن و عزای اهل بیت (ع) را باید بسیار گرمی شمرد. سپس این نعمت بزرگ الهی، به اطعام معنوی خیل عظیم دلدادگان خاندان پیامبر (ص) با طعام مطهر و معطر معارف ناب شیعی است و به عرضه «دین خالص» و پالایش شده از پیرایه‌ها و خرافه‌ها:

«کسی که با مسائل شوروی سابق و این بخشی که شیعه‌نشین است (جمهوری آذربایجان) آشنا بود، می‌گفت: وقتی کمونیست‌ها بر منطقه آذربایجان شوروی مسلط شدند همه آثار اسلامی را از آن جا معو کردند و هیچ نشانه‌ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند. فقط یک چیز را اجازه دادند و آن «قمه‌زدن» بود! دستورالعمل رؤسای کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند، قرآن بخوانند، عزاداری کنند، هیچکار دینی نباید بکنند. اما اجازه دارند قمه بزنند! چرا؟ چون خود قمه‌زدن، برای آنها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد تشیع بود. گاهی دشمن از بعضی چیزها این گونه علیه دین استفاده می‌کند. هر جا خرافات به میان بیاید، دین خالص بدنام خواهد شد. (رهبر معظم انقلاب - در دیدار عمومی مردم مشهد - ۷۶/۱/۱)

و «دین خالص» را امروز فقط از عالمان امانت‌دار علم جعفری می‌توان گرفت که فقیهان صیانت‌کننده بر نفس و حفاظت‌کننده از دین خدایند و هوا و هوس را مغلوب ساخته‌اند و جز پیروی از صاحب شریعت، سودایی در سر ندارند؛ از مراجع معظم شیعه که پیرایه‌های نشسته بر دامن دین را می‌شناسند و مجالس مدح و مصیبت ما را خالی از معصیت خدا می‌خواهند؛ امروزه سر حلقه‌های هیئت‌ها - خصوصاً هیئت‌های معظم شهرهای بزرگ، و رهبران و مداحان شهیر و خوش نامشان - به یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع اجتماعی تبدیل شده‌اند. و عاظ و مداحان بزرگ اکنون مرجع و مراد بسیاری از مؤمنان و شیفتگان اهل بیت (ع) مخصوصاً جوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان‌اند. جوانانی که مشتری دائم مجالس معظم مصیبت‌سرایی و مولودی‌خوانی در تهران و شهرهای بزرگ هستند. اغلب تکالیف عملی خود را از خلال سخنان واعظ یا مداح مورد علاقه خود اخذ می‌کنند و اگر بگوئیم کثیری از جوانان مؤمن و باصفا، دین خود را از این جلسات می‌گیرند، گزافه نگفته‌ایم. هم از این روست که انتظار سلوک مرجعانه از عاظ و مداحان نامدار و پر طرفدار، انتظار نابجایی نیست. مهم‌ترین شناسه در مثنوی و مرام مرجعانه، رعایت نهایت احتیاط در بیان معارف و احکام و دستورهای دین در عرصه‌های فردی و جمعی است و نیز در حوزه‌ها و حیطه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی؛ خصوصاً در موضوعاتی که این عزیزان احیاناً ورود و تخصصی ندارند و برای بیان دقیق و درست مطلب، ناگزیر از استمداد و استشاره از اهل فن‌اند.

اکنون که تأثیر عمیق و منحصر بفرد هیئت‌ها و مجالس روضه‌خوانی در تحولات اجتماعی و رفتارهای سیاسی مردم آشکارتر از گذشته شده

نمایه

نمایه